



یادداشت

تفرقه و اتحاد گریزی چپ تا کی؟

صادق کار



نیروها و گرایشهای مختلف چپ همگی در رسانه های خود کارگران را به اتحاد و همبستگی فرا می خوانند و از محسنات اتحاد و مضرات تفرقه و پراکندگی می گویند و می نویسند. اما عجبا که خودشان در پراکندگی بسر می برند و کوششی برای نزدیکی و انجام اقدامات مشترک، نمی کنند.

اگر از کارگر بپرسی می داند چند حزب چپ ایرانی وجود دارد؟ به ندرت می شود یکی را پیدا کرد که از تعداد احزاب و سازمانها اطلاع درستی داشته باشد. من هم صادقانه گفته باشم آنقدر تعداد این احزاب و جریانات زیاد است که تعداد کمی را میتوانم نام ببرم.

بعضا تعدد احزاب چپ را مثبت و نشانه پلورالیسم می دانند. در حالی که این طور نیست و به زعم من برداشت نادرستی از مسئله دارند. بله البته نیروی چپ در ایران نیز مانند خیلی از کشورهای دیگر از گرایشهای مختلفی تشکیل شده. از سوسیال دمکرات و چپ دمکراتیک و سوسیالیستها و کمونیست پیروان پیشین انترناسیونال یک تا چهارم که با هم اختلافاتی هم دارند.

می خواهم بگویم برای هر سلیقه ای بیش از حد لازم حزب و سازمان وجود دارد، با این همه همچنان شاهد تشکیل احزاب جدیدی هستیم که وقتی مرانامه ها و مواضع شان را می خوانیم متوجه می شویم که تشکیل دهندگان آن در یکی از سازمانهای موجود هم می توانستند فعالیت کنند و نیازی به تاسیس حزب تازه ای نداشتند.

در اوایل انقلاب یادم هست که چهار گرایش یا بقولی که در آن زمان مرسوم بود چهار خط عمده در جنبش چپ بیشتر نداشتیم، بعدها خط پنجمی هم شکل گرفت که دوام چندانی پیدا نکرد و دست اندرکاران اصلی آن یا به حزب کمونیست کارگری، کومله و به سازمانهای دیگر پیوستند و یا بعد از مدتی منحل ماندند. اکثر احزاب و سازمانها در آن دوران در مقایسه با امروز پایگاه اجتماعی وسیعتری داشتند. می خواهم بگویم که



تعدد احزاب و جریانات چپ نه تنها موجب افزایش پایگاه اجتماعی آنان نشده بلکه نتیجه منفی داشته است.

خیلی از این سازمانها در واقع از یک طیف فکری هستند می توانند با پیوستن به هم کارآمدی و پایگاه اجتماعی خود را افزایش دهند. یا حداقل اگر مایل به پیوستن به هم نیستند، لاف حول مشترکات زیادی که با هم دارند، جبهه تشکیل دهند، ولی متاسفانه در این حد هم کمتر تن به همکاری و فعالیت مشترک می دهند. عدم تمایل به همکاری در میان همه ی طیف های چپ مشاهده می شود. بطوری که تعدادی از این سازمانها متاسفانه بیشتر به قبایل و طوایف مختلف تبدیل شده اند. اینها مسائلی هستند که از چشم مردم پنهان نمی ماند. کارگری که می بیند آنهایی که می خواهند از حقوق شان دفاع کنند خود در تفرقه و پراکندگی بسر می برند، دعوت این سازمانها به اتحاد و همبستگی را خیلی جدی نمی گیرند

امکانات نیروهای چپ خوب که بررسی کنیم کم نیست، اما تقسیم شده بین گروه هاست. بهمین دلیل است که چپ ایران در شرایطی که از همه سو زیر فشار قرار دارد، فاقد یک رسانه کارآمد با کادر قوی برای اشاعه افکار و ایده های سوسیالیستی و مقابله با تبلیغات چپ ستیزانه رسانه های قوی مدافع حکومت و جریانات سرمایه داری است

در هر جای جهان که چپ توانسته تا تشکیل دولت نفوذ و قدرت پیدا کند، یکی از مهمترین عوامل آن این بوده که طیف های مختلف چپ توانسته اند، با یکدیگر بر سر مشترکات شان که آزادی و عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت توده زحمتکش در مرکز آن قرار داشته با هم کنار بیایند. برزیل یک نمونه درخشان با تجربیات غنی و آموزنده از این تجربه موفق است. چپ ایران نمی خواهد از تجربه برزیل و سایر کشورهای امریکای جنوبی درس بگیرد. روز گذشته در اخبار روز نوشته بود یک کمونیست با یک رای اختلاف به ریاست مجلس شیلی رسیده است. من بعید می دانم که رئیس پارلمان شیلی بدون حمایت جبهه وسیعی از طیف های مختلف چپ به این مسئولیت انتخاب شده باشد

در ایران نیروی چپ گسترده ولی پراکنده است. گروه کثیری بویژه از جوانان و میانسال که عده قابل توجهی از آنان زنان و دختران تحصیل کرده و متخصص با شوق زیاد و توانایی و کارآمدی بالا هستند. وضعیت فقر و فلاکت، وضعیت فاجعه بار زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و استبداد شرایط مطلوبی را برای فعالیت نیروی چپ، به شرط آنکه بر تفرقه خود فائق آید فراهم کرده است. می خواهیم بگویم چپ با همه ی کشتار و سرکوبی که متحمل شده، از پایگاه توده ای بالقوه بر خوردار است و ظرفیتی برای رشد ایده ها و برنامه های انسانی چپ بوجود آورده. اگر ما به جای چند ده حزب و سازمان کوچک در چهار طیف متحد می شدیم یقین دارم وضعیت چپ امروزه خیلی بهتر از که هست می بود

در روزهای قبل از اول ماه مه دیدم در چند اعلامیه جداگان از طرف چند حزب و گروه در ارتباط با روز کارگر انتشار یافته، همه را خواندم و دیدم که موارد مشترک در آنها کم نیست. افسوس خوردم که چرا حداقل بمناسبتهای مشابه اول ماه مه یک اجماعی از این جریانات که این همه مشترکات دارند شکل نمی گیرد، بلکه امید و شوری در جامعه بدمد؟

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران
و مزد و حقوق بگیران!**



گزارش تحقیق ویژه در باره کار کودک و تغییرات اقلیمی بخش سوم
شعبه اصول و حقوق اساسی کار سازمان بین المللی کار، برنامه مشاغل سبز



3. تغییرات اقلیمی و کار کودک: مجاری تأثیرات کلیدی

1. فقر

افزایش فقر شاید مهمترین مجرائی است که تغییرات اقلیمی از طریق آن بر کار کودکان تأثیر می گذارد. مجموعه وسیعی از شواهد نشان می دهد که اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی در حال حاضر به طور قابل توجهی بر معیشت و شرایط زندگی تأثیر می گذارد، افراد بیشتری را به سمت فقر سوق می دهد و شرایط کسانی را که قبلاً در فقر و موقعیتهای آسیب پذیر قرار داشته اند، و امکان مانور و سازگاری کمتری در برابر مصائب، و گزینه ها و دسترسی کمتری به ساختارهای حمایتی نهادی دارند، تشدید می کند. 3. بر اساس گزارش بانک جهانی، این امکان وجود دارد که تأثیرات تغییر اقلیمی تا سال 2030 بین 32 تا 132 میلیون نفر را به ورطه فقر شدید بکشاند، بسیاری را ناگزیر به تغییر اشتغال و امکان معیشت و انتقال از بخش کشاورزی به سایر بخش ها و اتخاذ روشهای دیگر کار کند، و منجر به الگوهای گسترده تر مهاجرت نیروی کار و اسکان انسانی گردد.

در عین حال، فقر برای درک آسیب پذیری کودکان یک نکته محوری است. در یک نگاه مقدماتی، این که خانواده های تهیدست برای برآوردن نیازهای اساسی شان و مقابله با موقعیتهای نامطمئن مجبور به توسل به اعزام کودکان شان به بازار کار کودک شوند، بسیار محتمل است. مواجهه دانمی با شوکهای معیشتی نیز می تواند تأثیر مشابهی بر تصمیمات خانواده برای استفاده از نیروی کار کودکان داشته باشد. خانواده ها معمولاً با قرض گرفتن، هزینه کردن پس انداز احتمالی یا فروش دارایی های خانواده به کاهش موقت درآمد خود پاسخ می دهند، اما زمانی که این گزینه ها در دسترس نیستند یا در مقیاس مورد نیاز در دسترس نیستند، به احتمال زیاد مجبور می شوند به کار کودک متوسل شوند. کار کودک در واقع نوعی حائل یا بیمه در برابر شوکهای است که آنها تجربه می کنند.

تعداد فزاینده ای از مطالعات مکرراً این نکته را تقویت می کنند که فقر خانواده ها را وادار می کند بیشتر به کار کودکان تکیه کنند. به عنوان مثال، مطالعات انجام یافته در کامبوج 18 و تانزانیا، نشان داد که کار کودکان در روستاهایی که شوکهای مرتبط با کشاورزی - مانند خشکسالی، سیل و بارندگیهای ناهنگام و کاشت کم



حاصل - را تجربه می‌کنند، به طور قابل‌توجهی بالاتر است. و اینها دقیقاً همان شوک‌هایی اند که در نتیجه تغییرات اقلیمی در حال افزایش هستند. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهند که شوک‌های قیمت مواد غذایی - که به طور فزاینده‌ای به رویدادهای اقلیمی یا تغییرات اقلیمی مرتبط با بهره‌وری کشاورزی نسبت داده می‌شوند - نیز بر کار کودکان تأثیر می‌گذارد. برای مثال، شواهد در برخی کشورها، از جمله در اوگاندا و پاکستان، نشان‌دهنده رابطه‌ای هستند بین افزایش قیمت مواد غذایی و افزایش کار کودکان و تشدید زمان کار کودکان در خانواده‌های غیرکشاورز.

2. شوک‌های شدید آب و هوایی مرتبط با آب و هوا

تغییرات اقلیمی نه تنها باعث افزایش تدریجی دما و تغییر الگوهای بارندگی می‌شوند، بلکه باعث ایجاد تعداد فزاینده‌ای از شوک‌های شدید اقلیمی نیز می‌گردند. به عنوان مثال، بین سال‌های 2010 تا 2019، در کشورهای جنوب صحرای آفریقا فراوانی خشکسالی‌ها تقریباً سه برابر، دفعات طوفان‌ها بیش از چهار برابر و فراوانی سیل‌ها ده برابر شده است.

این شوک‌های اقلیمی می‌توانند عواقب وخیمی برای کار کودکان داشته باشند. برای مثال، مطالعه‌ای در جوامع کشاورزی در روستاهای هائیتی نشان داد که 46 درصد (Matthew) مورد تأثیر طوفان متیو کودکانی که در مدرسه ثبت‌نام کرده بودند، به دلیل طوفان از رفتن به مدرسه بازماندند. والدین این کودکان با توجه به از دست دادن درآمد به دلیل آسیب به محصول و تلفات دام، نیاز به کار آنان در مزرعه خانوادگی را به عنوان دلیل اصلی ترک تحصیل فرزندانشان اعلام کردند. در ماداگاسکار، تغییر منفی الگوی بارندگی و طوفانها احتمال حضور نوجوانان 14 تا 16 ساله، به ویژه برای دختران، را در بازار کار افزایش داد.

اثرات رویدادهای شدید اقلیمی بر کار کودکان می‌توانند تا مدتها بعد از خود این رویدادها باقی بمانند. به دنبال یکی از زرتگرین طوفانهای گرمسیری در گواتمالا در سال 2010، کار کودکان به عوض اشتغال به تحصیل در میان مدت (10 تا 15 ماه پس از فاجعه طبیعی) شدت گرفت. این افزایش در کار کودک مشخصاً به دلیل افزایش فقر بود. مطالعه‌ای در آمریکای لاتین که یک افق زمانی 100 ساله را پوشش می‌دهد، نشان می‌دهد کودکان مادرانی که در معرض بلایای طبیعی قرار گرفته‌اند، از متوسط سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردارند و در این گروه کودکان احتمال کار کودک افزایش می‌یابد. بنابراین بلایای طبیعی اقلیمی می‌توانند اثراتی حتی در نسل‌های بعدی کودکان نیز به بار آورند.

رویدادهای شدید اقلیمی نه تنها به محصولات زراعی آسیب می‌زنند و برداشت را کاهش می‌دهند، بلکه می‌توانند منجر به از بین رفتن داراییهای معیشتی مانند دام، ماشین آلات کشاورزی یا تأسیسات ذخیره سازی شوند. این امر می‌تواند به‌ویژه مشکل‌ساز باشد، زیرا دارایی خانواده‌ها گاه می‌تواند به عنوان "ضربه گیر" یا به عنوان وثیقه‌ای برای استقراض عمل کند. مطالعه تانزانیا نشان می‌دهد که این دارایی می‌تواند تقریباً 90 درصد از عواقب منفی ناشی از شوک‌های کشاورزی را برای کار کودکان مانع شود. فروش اجباری داراییهای معیشتی به عنوان یک "استراتژی بقا" در زمینه رویدادهای شدید آب و هوایی مانند سیل یا خشکسالی، به نوبه خود آسیب‌پذیری را در برابر رویدادهای اقلیمی آینده افزایش می‌دهد و خطر افتادن در تله‌های فقر مداوم را افزایش می‌دهد.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!



مشکل در آن است که کارفرما خود صاحب قدرت دولتی است!

صادق



روز گذشته خبری از بی نتیجه ماندن مراجعات مکرر کارکنان شرکت مخابرات خوزستان به مسئولین دولتی برای بازگشت به کار منتشر شد که نمونه‌ای از برخورد رژیم با کارگران را آنطور که هست منعکس می کند.

قضیه مربوط به اخراج دسته جمعی قلدربانان کارکنان شرکت مخابرات است که ۲ سال پیش به دلیل اعتراض به رسمی نشدن خود پس از سالها کار در این شرکت از کار اخراج شده بودند.

کارگران اخراجی پس از شرح علت اخراج خود به خبرگزاری ایلنا گفته‌اند، ۲ سال پس از اخراج با وجود مراجعات به نهادهای استانداری به رغم توصیه بعضی از نهادها کارفرما حاضر به بازگرداندن آنان به سر کار نیست. در واقع کارفرما دارد کارکنان معترض خود را با اخراج آنان تنبیه می کند.

این گزارش در شرایطی منتشر می شود که لایحه کج و معوج رسمی کردن کارگران قراردادی و پیمانی پس از سالها بلاتکلیفی دوباره به مجلس آینده حواله داده شده و وزیر کار فریبکار رژیم به امید فرونشاندن اعتراضات معیشتی وعده عملی کردن آن را داده است.

بنا به گفته مسئولین رژیم تعداد کارگرانی که در اثر موقتی سازی نیروی کار با قرارداد موقت کار می کنند به ۹۶ درصد کل شاغلین رسیده است. این در حالی است که قبل شروع اعمال قراردادهای موقت حداقل ۶۰ درصد نیروی کار به صورت رسمی بودند.

غیر رسمی کردن استخدام ها برای کارفرمایان خصوصی و دولتی مزایای زیادی دارد و علاوه بر آن که سود هنگفتی را نصیب شان می کند، به آنها اجازه می دهد هر وقت که میل شان کشید و به هر علتی کارگران شان را از کار اخراج کنند.

موقتی سازی منحصر به کارگران و شرکتهای خصوصی نیست، پروژه‌های است که همه ی نیروی کار در بخش های دولتی و خصوصی و مشاغللی را که ماهیت مستمر دارند و از کارگر، تا معلم، پرستار، کارمند و پزشک را در بر می گیرد. به غیر از کارگران، ده ها هزار معلم، پرستار و کادر درمانی و کارکنان شهرداری و غیره در استخدام موقت از سه ماهه تا حداکثر یک ساله کار می کنند و در اکثر محل های کار برای اینکه سابقه این افراد را از بین ببرند، در پایان قرارداد آنها را اخراج و بعد از چند روز دوباره استخدام می کنند. در تعداد زیادی از موسسات حتی کارگران رسمی را دسته جمعی اخراج و بجای شان کارگران موقت استخدام کرده‌اند.



موقتی سازی یا بی ثبات سازی به نوعی اختناق در محل های کار منجر شده است. این وضعیت به کارفرمایان اجازه می دهد هر ظلمی را بدون نگرانی از پیامدهای آن در مورد کارگران و کارکنان خود اعمال کنند و قوانین کار را زیر پا بگذارند و زمینه اعتراض از سوی کارگران را از بین ببرند. با این وصف اما فشار و زورگویی و حق خوری آنچنان زیاد شده که کمتر کسی می تواند آنها را تحمل کند و دم بر نیورد

موج عظیمی از اعتراض و اعتصاب علیه قراردادهای موقت از دو دهه پیش برخاسته و هر ساله خروشانتر می شد باعث شد تا رژیم برای کاستن از اعتراضات به ترفند دیگری متوسل بشود. ترفند تازه تهیه لایحه ای برای رسمی کردن کارگران قرار دادی در شرکتهایی بود که کارشان ماهیت مستمر دارد

این لایحه که سالهاست مانند توپ فوتبال میان دولت و مجلس و شورای نگهبان و هیئت تشخیص در حال پاسکاری است البته تحفه ای نیست که اگر هم تصویب شود بتواند قراردادهای موقت را محدود نماید، با این احوال چنان در مورد آن تبلیغ می کنند که گویا فرشته نجات کارگران قراردادی خواهد بود

در لایحه راه فرار برای کارفرمایان باز گذاشته شده و کارگران پس از ۴ سال اشتغال بصورت موقت می توانند رسمی شوند و از حقوق و مزایای آن ۴ درصدی که هنوز رسمی هستند برخوردار شوند. این در حالی است که در ماده ۷ قانون کار کارگر پس از گذراندن ۶ ماه دوره آزمایشی در کارهایی که ماهیت مستمر دارد می بایست استخدام رسمی شود

تا دوره دوم ریاست جمهوری رفسنجانی این قانون با وجود اینکه آیین نامه آن تهیه نشده بود، در اکثر شرکتهای بزرگ و متوسط خصوصی و دولتی اجرا می شد، اما از آن به بعد، با ایجاد موانع بسیاری بر سر اجرای آن عملاً سیاست موقتی سازی را در همه ی مشاغل اعم از مستمر و غیر مستمر دنبال کردند. حالا هم خبر داده اند که تصویب قانون کذایی شان به مجلس آینده محول شده است

موقتی سازی نیروی کار از آنجا که سود هنگفتی برای کارفرمایان در بر دارد، محال است در شرایط کنونی و با وجود این رژیم کنار گذاشته شود، تنها عاملی که می تواند به این روال به شدت استثمار گرانه پایان دهد تغییر موازنه اجتماعی کنونی می باشد، که آن هم مستلزم گسترش اعتراضات سازمان یافته وسیع صنفی و سیاسی علیه رژیم و کارفرمایان مدافع چنین رویکردهای است. کارکنان مخابرات گفته اند: شرکت مخابرات از هیچ قانونی و مقامی پیروی نمی کنند. دلیل پیروی نکردن مدیران مخابرات روشن است، آنها خود صاحب دولت و قدرت هستند و اصل مشکل در همین واقعیت نهفته است

مبارزه برای آزادی معلمان، کارگران و زندانیان سیاسی را گسترده و سراسری کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!

با جعل آمار واقعیت را نمی توان کتمان کرد
پیرامون دو گزارش متناقض از حوادث شغلی در سال گذشته از دو منبع مختلف
صادق



مثال رایج و درستی هست که می گوید (دروغگو کم حافظه است) این ضرب المثل چقدر خوب با رفتار و ادعاهای مقامات حکومتی که از صدر تا ذیل شب و روز به مردم آمار و ارقام دروغ تحویل می دهند تا به زعم خود مردم را گمراه کنند، صد در صد صدق می کند. بهمین جهت است که هر یک آمار و ارقامی از موضوعات مختلف به مردم می دهند که غالباً با ادعاهای پیشین شان تضاد و تناقض دارند. و هنگامی که گند قضیه در می آید برای رفع و رجوع آن دروغ دیگری می سازند. گاهی اوقات هم مسئولین نهادها از یک موضوع معین آمارهایی می دهند که با هم نمی خوانند. بهمین جهت نه مردم و نه کارشناسان غیر دولتی به آمارهای رسمی اطمینان ندارند و خودشان مجبور می شوند با حدس و گمان و تخمین بر اثر مشاهدات شان و تجزیه و تحلیل بدنیال آمار درست برآیند. از آنجا که دولت نتوانسته به هیچ یک از وعده‌های خود عمل کند و وضعیت در موارد مختلف که وعده بهبود داده اند بدتر شده، با این تصور ابلهانه که می تواند با جعل آمار افکار عمومی را بفریبد، به این کار روی آورده و با وقاحت از آن هم دفاع می کند. گاهی دروغهایی که می گویند آنقدر بزرگ است که باعث حیرت مردم می شود.

در مورد حوادث و بیماری های شغلی نیز این قضیه صادق است. مثلاً هر سال آماری که از حوادث توسط پزشک قانونی داده می شود، با آماری که از طرف وزارت کار و تامین اجتماعی منتشر می شود تفاوت زیادی وجود دارد. آمار وزارت کار همیشه تعداد حوادث شغلی را کمتر از پزشک قانونی اعلام می کند.

به تازگی نیز پزشک قانونی گزارشی از حوادث و تعداد کسانی که در اثر حوادث شغلی طی سال گذشته جان باخته‌اند ارائه داد که بر عکس گزارش وزارت کار حاکی از افزایش تلفات مشاغل شغلی است.

طبق آمار داده شده توسط "علی حسین رعیتی فرد" معاون وزارت کار، آمار جانباختگان حوادث شغلی در سال گذشته ۶۸۰ نفر اعلام شده، اما پزشک قانونی تعداد جانباختگان را بیش از ۲۰۰۰ نفر یعنی حدود سه برابر آمار وزارت کار اعلام کرده است. البته آمار حوادث شغلی مربوط به کارگاه هایی است که تحت پوشش قانون کار قرار دارند و شامل همه ی حوادثی که در میان کارگاه های خارج از شمول قانون کار که تعداد کارگران آنها از کارگران تحت پوشش قانون بیشتر است نمی شود.



وجود این تناقض آماری که تنها مربوط به آمار حوادث شغلی هم نیست و از آمار بیکاری تا افراد تحت پوشش تامین اجتماعی و تورم و هزینه‌های خانوار و غیره را در بر می‌گیرد هم صدق می‌کند. با این وصف یکی از مدیران وزارت کار با اینکه نمی‌تواند آمار پزشکی قانونی را رد کند، ادعا می‌کند حوادث شغلی در سال گذشته ۹،۵ درصد کاهش داشته است. تقلب در آمارها توسط این وزارتخانه از زمان منسوب شدن صولت مرتضوی به وزارت در این وزارتخانه و مدیران حجتیه‌ای که او با خود به وزارتخانه آورده از گذشته بسیار بیشتر شده و آنها نگران هم نیستند که از این بابت مورد مواخذه قرار بگیرند زیرا زمانی که خود رئیسی هر هفته در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کند و آمارهای قلابی از عملکرد دولت می‌دهد، جای نگرانی برای زیر دستان خود باقی نمی‌گذارد. با وجود سه برابر شدن تعداد حوادث کار که بخش غیر قابل انکار از آن به سبب تغییرات در قوانین کار و تامین اجتماعی می‌باشد یکی از مدیران ارشد وزارت کار با وقاحتی مثال زدنی با استناد به آمار قلابی این وزارتخانه از کاهش ۹،۵ درصدی حوادث کار خبر می‌دهد. این در حالی است که حتی بدون در نظر گرفتن آمار پزشکی قانونی از گزارشاتی که همه روزه در تعداد محدودی از رسانه منتشر می‌شود، به راحتی می‌شود پی برد که آمار حوادث شغلی با چه شتابی طی دو سال گذشته رشد کرده است. با وجود این حکومت نیز ذره‌ای جای تردید نیست که متأسفانه هر ساله به دلیل رویکردهای حکومت ضد کارگری حاکم که ارزشی برای زندگی کارگر قائل نیست تعداد حوادث شغلی و قربانیان آن و همچنین بیماری‌های شغلی در اثر بی توجهی دولت و کارفرمایان به مقررات و قوانین حمایتی و فساد همه گیر بر وزارت کار به سیر صعودی خود ادامه دهد.

بارها در پی هر حادثه‌ای شنیده‌ایم که مسئولین با آوردن بهانه‌های مانند کمبود بودجه و بازرسی و یا نسبت دادن علت حوادث به بی احتیاطی کارگران از پذیرفتن نقش خود در حوادث طفره می‌روند، این در حالی است که سالانه هزاران میلیارد تومان خرج استخدام حجاب بان و اوباشان حرفه‌ای، و ابزار آلات سرکوب زنان و مردم می‌کنند.

به بیانی هم قوانین مناسبی برای جلوگیری از حوادث و بیماری‌های شغلی وجود دارد و هم بودجه برای استخدام بازرسی و کارشناس ایمنی و آموزش ایمنی در محل‌های کار، اما کارفرمایان بخاطر افزایش سود اضافی قوانین را اجرا نمی‌کنند و بعضاً هم می‌گویند پرداخت دیه ارزانتر از هزینه اجرای قوانین حفاظتی است. یعنی معیار هم برای حکومت و نیز برای کارفرمایان پول است و سود هر چه بیشتر حتی به بهای جان هزاران انسان در سال و معلولیت و بیماری ده‌ها هزار نفر دیگر. در این میان با جلوگیری از فعالیت تشکلهای کارگری که می‌توانند با نظارت بر اجرای مقررات ایمنی و بهداشتی از افزایش حوادث جلوگیری به عمل آورند مانع نظارت آنان می‌شوند.

از اعتراضات و مطالبات به حق بازنشستگان متحدانه حمایت کنیم!



نیمی از مردم آرژانتین زیر خط فقر مطلق فرو رفته‌اند/ اعتصاب بزرگ تشکل‌های کارگری تورم نقطه به نقطه از زمان روی کار آمدن دولت جدید افراطی لیبرال آرژانتین به بیش از ۷۰ درصد رسیده است که این خشم کارگران را به همراه داشته است. ، اتحادیه‌ها و تشکل‌های بزرگ کارگری آرژانتین علیه آخرین دوره از ITUC به گزارش خبرنگار اپلنا به نقل از شوک‌های سنگین اقتصادی و تهاجم دولت راست‌گرای افراطی خاویر میلی در آرژانتین به معیشت کارگران تلاش می‌کنند روز جمعه این هفته اعتصابی بزرگ را در سراسر این کشور به مدت ۲۴ ساعت رقم بزنند. تأثیر این «شوک درمانی» بر کارگران و تضعیف نهادهای حقوقی و دموکراتیک در آرژانتین به حدی بوده است که هر سه اتحادیه بزرگ کارگری این کشور به شکل سراسری درخواست شروع اعتصابات را داشتند. تورم نقطه به نقطه از زمان روی کار آمدن دولت جدید افراطی لیبرال آرژانتین به بیش از ۷۰ درصد رسیده است و زندگی روزمره را برای بسیاری از کارگران غیرقابل تحمل می‌کند. کارشناسان تورم سالانه تجمعی ۳۰۰ درصدی را برای ماه جاری میلادی در آرژانتین پیش‌بینی می‌کنند.



تجمع کارگران پیمانکاری شاغل در پتروشیمی اصفهان در اعتراض به معوقات مزدی



شماره از کارگران پیمانکاری شاغل در پتروشیمی اصفهان به معوقات مزدی خود اعتراض کردند به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی اصفهان صبح امروز چهارشنبه (۱۹ اردیبهشت ماه) با تجمع در محوطه محل کار خود خواستار پیگیری مطالبات معوق مزدی خود شدند یکی از کارگران حاضر در این اجتماع صنفی گفت: حدود ۸۰ نفر از نیروهای پیمانکاری شرکت «فراب» در پتروشیمی اصفهان هستیم که مطالبات مزدی ما از اسفند ماه سال ۱۴۰۲ پرداخت نشده است در عین حال هنوز عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده ایم



تداوم اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شهر شوش



اعتصاب طولانی کارگران کاغذسازی پارس در شوش باعث حذف پیمانکار شد

اعتراض صنفی کارگران کاغذسازی پارس خاتمه یافت و پیمانکار حذف شد کارگران کاغذسازی پارس پس از به نتیجه رسیدن مذاکرات خود با کارفرما، به اعتراض صنفی خود خاتمه دادند.



به گزارش خبرنگار ایلنا، آنطور که منابع کارگری در کارخانه کاغذسازی پارس گزارش داده‌اند؛ بیش از ۵۰۰ کارگر این کارخانه از حدود دو هفته پیش به دلیل تبعیض و نابرابری از لحاظ دستمزد، حقوق و مزایا و پاداش اندک در نتیجه حضور شرکت‌های پیمانکاری تامین نیرو در این واحد تولیدی و برخی مطالبات صنفی دیگر اعتراض کردند.

این کارگران اعلام کردند: روز پنجشنبه هفته گذشته؛ با مسئولان کارخانه جلسه‌ای برگزار کردیم که در نتیجه آن کارفرما با کنار گذاشتن پیمانکار تامین نیرو و عقد قرارداد سه ماهه به حقوق هریک از کارگران یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اضافه کرد.

بیانیه‌ی بیش از ۷۰۰ تن از فعالان فرهنگی، اجتماعی، صنفی و سیاسی در حمایت از کیوان مهتدی و آنیسا اسداللهی



بیش از ۷۰۰ تن از فعالان فرهنگی- اجتماعی، صنفی و سیاسی با امضای بیانیه‌ای ضمن اشاره به تداوم حبس کیوان مهتدی و آنیسا اسداللهی خواهان آزادی «بی قید و شرط» آنها شدند.

آنیشا اسداللهی و کیوان مهتدی همراه با عده‌ای دیگر از فعالان کارگری و معلمان در جریان پرونده‌سازی امنیتی به خاطر بازدید دو سندیکالیست فرانسوی در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ در منزل خود در تهران بازداشت شدند.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>